



جامعه مدنی - جامعه دینی

۳۸۳

- جامعه مدنی / جامعه موازی / سازمانهای موازی
- جامعه مدنی، قانون و حکومت
- جامعه مدنی از منظر تئوریک
- جامعه مدنی، قوه قضائیه ● دین مدنی
- جامعه مدنی، مشارکت، قانونمدنی، کرامت انسانی
- به بهانه جامعه مدنی
- این صفحه برای شما جای مناسب نیست
- وضع تحمل ناپذیر کنونی؛ خشونت علیه زنان و دختران
- تلویزیون و سوء استفاده تبلیغاتی از کودکان

۳۴
ماهنامه
حقوق علم

اجتماعی ● علمی ● بهداشتی ● اقتصادی
۸۸ صفحه قیمت ۲۵۰ تومان



شیرین عبادی : جامعه، مدنی و قوه قضائی



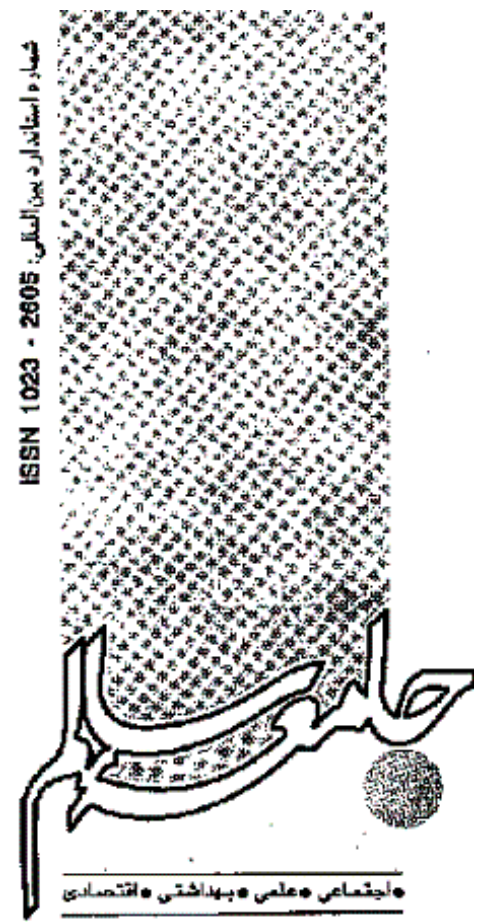


به نام خدا

xalvat.com

| | |
|----|--|
| ۲ | این صفحه برای شما جای مناسبی نیست / محمد لائند |
| ۶ | جامعه مدنی / جامعه موازی / سازمانهای موازی / کاظم کردوانی |
| ۸ | جامعه مدنی، قانون و حکومت / دکتر صادق زیباکلام |
| ۱۲ | جامعه مدنی از منظر تئوری / دکتر فریدون توایی |
| ۱۷ | جامعه مدنی، قوه قضائیه / شیرین هیادی |
| ۲۰ | دین مدنی / مجید محمدی |
| ۲۴ | به بهانه جامعه مدنی / دکتر علی خصوری |
| ۲۸ | جامعه مدنی، «مشارکت»، «قانونمندی»، «دکرات انسانی» / دکتر داور شیخاوندی |
| ۳۲ | قانون را درباره ما اجرا کنید / دکتر محمد رضا باطنی |
| ۳۴ | در جستجوی عدالت اجتماعی / دکتر کاظم علمداری |
| ۴۲ | انقلاب ۱۹۷۹ ایران / چارلز کورزمن / امیر موسوی |
| ۴۶ | نقدی بر مقاله حقوق زنان در فقه اسلامی / سید عباس نبوی |
| ۵۰ | سخن گفتن / ثریا خوانساری |
| ۵۲ | چین پس از مرگ دنگ شیائوپینگ / ترجمه سلامت رنجبر |
| ۵۶ | کشمکش پیرامون جهانی شدن / سمیرا مین / وحید کیوان |
| ۵۹ | ماندگاری و زوال و شیوه‌ها در حرکت اجتماعی زنان / نوشین احمدی خراسانی |
| ۶۴ | رابطه جرم و سلامت جامعه / فراز ناجی |
| ۶۶ | تبلیغات تلویزیونی، سوءاستفاده از کودکان / دکتر فاطمه قاسم‌زاده |
| ۶۸ | مدیریت سبز - ایزو ۱۴۰۰۰ / دکتر میر محمد روزبه |
| ۷۱ | گزارشی از کنفرانس منطقه‌ای جهانی شدن |
| ۷۷ | جهانی شدن و تأثیر آن بر مذهب و فرهنگ / سعید نشاط |

شماره استاندارد بین‌المللی: ISSN 1023 - 2605



سال هفتم - شماره سی و چهارم - شهریورماه ۱۳۷۶

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر سیاوش گوران

سردبیر: فیروز گوران

دبیر تحریریه: سیمین دخت توایی

مدیر اجرایی: محمدرضا وفاززاده

صفحه‌ارا: آسانا محسنین

طرح‌های متن: پژمان رحیمی‌زاده - حسین‌رضا رمضان

حروفچینی: جامعه سالم ۸۲۷۶۵۸۴

لیتوگرافی رنگی و متن: علیرضائی‌فر ۶۷۴۶۲۳

چاپ متن - رنگی: اتاق چاپ ۳۱۱۷۴۴۵

صحافی: اتاق چاپ ۳۱۱۷۴۴۵

تحریریه جامعه سالم

کوی نصر (کیشا) خیابان ۲۱ - پلاک ۱۴

کدپستی: ۱۴۴۷۷ صندوق پستی: ۴۵۱۱ - ۱۵۸۲۵

تلفن و فاکس: ۸۲۷۶۵۸۴

نظرات مطرح شده الزاماً نظر مایمانه نیست
نقل مطالب با ذکر مأخذ و نام نویسنده ممنوعی ندارد



طرح روی جلد از پژمان رحیمی‌زاده
آشوره دارد به محتوای مقالات: جامعه
مدنی - دین مدنی - جامعه، قانون و
حکومت با تأکید بر مقاله به بهانه
جامعه مدنی از دکتر علی خصوری
صفحه ۲۴



جامعه مدنی و قوه قضائیه

شیرین عبادی

xalvat.com

تشکیل جامعه مدنی محتاج به پیش‌شرط‌هایی است که بدون تحقق آنها هر تلاش و تدبیری منجر به شکست خواهد شد. بدون داشتن قوه قضائیه‌ای، مستقل که قادر باشد با قوت کامل به اجرای قوانین پرداخته و اجرای عدالت کند. حتی تصور برقراری «جامعه مدنی» خیالی است واهی. از این رو تشکیلات و سیستم قضائی در هر کشور ترازویی است برای سنجش «مدنیّت» و به عبارت بهتر، دموکراسی، حکومت قانون، آزادی، همگنی در گرو داشتن سیستم قضائی مستقل و پیشرفته‌ای است.

چون یکی از مهم‌ترین وعده‌های آقای خاتمی ایجاد «جامعه مدنی» است بنابراین لازم است نگاهی گذرا به سیستم حقوقی و تشکیلات قضائی در ایران بیندازیم تا مشخص شود آیا تحقق چنین وعده‌ای با تشکیلات قضائی فعلی، امکان‌پذیر است یا خیر؟

تشکیلات قضائی ایران در سال ۱۳۷۳ با تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب تغییرات بنیادین نموده در تشکیلات قضائی جدید که تقلید ناقص و کورکورانه‌ای است از صدر اسلام، دلسرا حذف شده و وظایف و اختیارات دادستان به رئیس دادگاه محول شده است. در چنین سیستمی اصل بی‌طرفی قاضی قانوناً نادیده گرفته شده است زیرا قاضی دادگاه هم دادستان و هم صادرکننده حکم است.

در قانون جدید دادگاهها به دو نوع عمومی و انقلاب تقسیم می‌شوند. دادگاههای انقلاب که در مراکز استان‌ها و نیز مناطقی که ضرورت داشته باشند تشکیل می‌شوند به جرائم ذیل رسیدگی می‌کنند.

- ۱ - کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا المساد فی الارض.
- ۲ - توهین به مقام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری.
- ۳ - توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تحریک مؤسسات بمنظور مقابله با نظام.
- ۴ - جاسوسی به نفع اجانب.
- ۵ - کلیه جرائم مربوط به قاچاق و مواد مخدر.
- ۶ - دعوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی.

سایر دعوای (جزایی و حقوقی) در صلاحیت محاکم عمومی است مگر آن دسته از دعوای که قانوناً در صلاحیت سایر مراجع است از قبیل دادگاه ویژه روحانیت و دادگاه نیروی انتظامی. کلیه اقدامات و تحقیقات ضروری از بدو تشکیل پرونده تا ختم رسیدگی و صدور رأی به وسیله رئیس دادگاه صورت می‌گیرد و در صورت نیاز در هر حوزه قضائی تعدادی قاضی تحقیق وجود دارند که به دستور و تحت نظر رئیس دادگاه قسمتی از تحقیقات را انجام می‌دهند.

طبق قانونی که در سال ۱۳۷۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده، دعوای خانوادگی در صلاحیت دادگاه خانواده می‌باشد.

تجدید نظر خواهی

احکام صادر از دادگاههای عمومی و انقلاب از جهت تجدید نظر خواهی بر دو نوع هستند.

الف - تجدید نظر خواهی بدون مهلت طبق ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، آراء دادگاههای عمومی انقلاب در موارد زیر نقض می‌شود.

- ۱ - قاضی صادرکننده رأی متوجه اشتباه رأی خود بشود.
 - ۲ - قاضی دیگری بی به اشتباه رأی صادره ببرد به نحوی که اگر به قاضی صادرکننده رأی تذکر دهد متنبه گردد.
 - ۳ - ثابت شود قاضی صادرکننده رأی صلاحیت رسیدگی و انشاء رأی را نداشته است.
- طبق ماده فوق‌الذکر، در مورد بندهای ۱ و ۲ مرجع تجدید نظر رأی را نقض و رسیدگی می‌نماید و در مورد بند ۳ مرجع تجدید نظر بدواً به اصل عدم صلاحیت رسیدگی و در صورت احراز مجدداً رسیدگی را انجام خواهد داد.
- موارد فوق‌الذکر شامل کلیه احکام صادره بدون توجه به میزان محکوم به یا قطعیت رأی صادره بوده و مدت هم ندارد.
- اگر قاضی صادرکننده رأی بی به اشتباه خود ببرد باید پرونده را با ذکر دلایل به مرجع تجدید نظر ارسال دارد.



طبق رويه قضایی موجود، منظور از «قاضی دیگری» متدرج در رتبه ۲ ماده ۱۸۸ قضایی هستند که حسب وظیفه قانونی خود صلاحیت مراجعه به پرونده و بازرسی را دارند از قبیل دادگاه انتظامی قضات یا بازرسی کل کشور. این دسته از قضات اگر به اشتباهی در رأی برخورد نمایند حق دارند پرونده را برای تجدید نظر به مرجع ذیصلاح ارسال دارند.

ب- تجدید نظر خواهی عقیده به مهلت طبق ماده ۱۹ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، آرای صادره در موارد زیر قابل درخواست تجدید نظر می‌باشد و چنانچه مرجع تجدید نظر پس از رسیدگی بی برد که دادگاه بدوی در صدور رأی اشتباه کرده و یا صالح برای رسیدگی نبوده است. رأی بدوی را نقض و مجدداً رسیدگی خواهد کرد.

جهات درخواست تجدید نظر در موارد فوق عبارتست از:

- ۱- ادعای عدم اعتبار مدارک استنادی دادگاه یا دروغ بودن شهادت شهود یا فقدان شرایط قانونی شهادت، در شهود.
 - ۲- ادعای مخالف بودن رأی با قانون.
 - ۳- ادعای عدم صلاحیت دادگاه یا عدم صلاحیت قاضی صادرکننده رأی.
 - ۴- ادعای عدم توجه قاضی به دلایل یا مدافعات، اگر درخواست تجدید نظر به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده به عمل آمده باشد مرجع تجدید نظر در صورت وجود جهتی دیگر می‌تواند به آن جهت هم رسیدگی نماید.
- مهلت درخواست برای اشخاص ساکن در ایران بیست روز و برای کسانی که خارج از ایران سکونت دارند دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی می‌باشد.

در تجدید نظر خواهی نسبت به امور حقوقی فقط دادگاه نسبت به آنچه که مورد درخواست تجدید نظر است رسیدگی می‌نماید. دو احکام کیفری مرجع تجدید نظر نمی‌تواند مجازات تعزیری مقرر در حکم بدوی را تشدید کند.

مراجع تجدید نظر

دو مرجع برای رسیدگی تجدید نظر پیش‌بینی

شده است و شیوه دادرسی در آن نیز متفاوت است.

xalvat.com

اولاً- دیوان عالی کشور
ثانیاً- دادگاه تجدید نظر که در مرکز هر استان به تعداد مورد نیاز تشکیل شده و مرکب از یک نفر رئیس و دو مستشار است.

مرجع تجدید نظر آراء دادگاههای عمومی و انقلاب هر شهرستان دادگاه تجدید نظر مرکز همان استان است مگر در مورد احکام ذیل که مرجع تجدید نظر آن دیوان عالی کشور خواهد بود.

- ۱- اعدام و رجم.
 - ۲- قطع عضو و قصاص نفس.
 - ۳- مصادره و ضبط اموال.
 - ۴- مجازات و حبس بیش از ده سال.
 - ۵- حکمی که خواسته آن از بیست میلیون ریال متجاوز باشد.
 - ۶- احکام راجع به امل نکاح و طلاق.
 - ۷- احکام راجع به نسب و وقف و حبس و تولیت.
- نکته قابل توجه آن است که رأی صادره در مرحله تجدید نظر قطعی است. مگر آنکه شامل یکی از موارد زیر باشد.

۱- قاضی صادرکننده رأی متوجه اشتباه رأی خود شود.

۲- قاضی دیگری بی به اشتباه رأی صادره ببرد به نحوی که اگر به قاضی صادرکننده رأی تذکر بدهد متنبه گردد.

۳- ثابت شود قاضی صادرکننده رأی صلاحیت رسیدگی و انشاء رأی را نداشته باشد.

در مورد تجدید نظر خواهی از آرا محاکم عمومی و انقلاب تذکر چند نکته ضروری است.

الف- هنگامی که دیوان عالی کشور به پرونده‌ای در مقام تجدید نظر خواهی رسیدگی می‌کند، وارد مامیت می‌شوند و رسیدگی فرجامی به این معنا که دیوان عالی کشور فقط رسیدگی حکمی نماید در ایران وجود ندارد و یکی از معایب سیستم قضایی ایران، حذف مرحله فرجامی است.

ب- همانطوری که فوقاً اشاره شد در سیستم قضایی ایران هیچ‌گاه حکمی قطعی نمی‌شود و

اعتبار امر مختومه را نمی‌یابد زیرا حتی پس از تجدید نظر خواهی هم ممکن است هر لحظه اعلام شود که قاضی اشتباه کرده و بدین دستاویز مجدداً می‌تواند به پرونده رسیدگی نمود.

ج- در امر کیفری قرار بازداشت متهم یا تشدید تأمین که مستقیماً یا حقوق و آزادی متهم ارتباط دارد، قطعی است و متهم از این حیث حق درخواست تجدید نظر ندارد و بنابراین ممکن است دادگاهی قرار توقیف متهم را بدون دلیل صادر و او را مدتی توقیف کند بدون آنکه حق شکایتی برای متهم منصور باشد.

دادستان کل کشور و نقش وی در تجدید نظر خواهی

قبلاً گفته شد که با حذف دادسرا در دادگاههای عمومی و انقلاب هست دادستان در سیستم قضایی ایران وجود ندارد. فقط در دیوان عالی کشور، دادسرا باقی مانده در رأس آن دادستان کل وجود دارد که تعدادی دادیار تحت نظر وی انجام وظیفه می‌نمایند.

طبق ماده ۳۹ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، محکوم علیه می‌تواند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ حکم از دادستان کل کشور درخواست رسیدگی بنماید. دادستان کل کشور در صورتی که حکم را مخالف با شرح یا قانون تشخیص دهد از دیوان عالی کشور درخواست نقض می‌نماید. دیوان عالی کشور در صورت نقض حکم، رسیدگی را به دادگاه هم عرض ارجاع می‌دهد. رأی دادگاه غیر قابل اعتراض و درخواست تجدید نظر است مگر در سه مورد:

۱- قاضی صادرکننده رأی متوجه اشتباه رأی خود شود.

۲- قاضی دیگری بی به اشتباه رأی صادره ببرد بنحوی که اگر به قاضی صادرکننده رأی تذکر دهد متنبه گردد.

۳- ثابت شود قاضی صادرکننده رأی صلاحیت رسیدگی و انشاء رأی را نداشته باشد.

به این ترتیب رأی که پس از تجدید نظر خواهی قطعیت یافته است. در اثر مداخله دادستان کل، ممکن است تجدید دادرسی شود و پس از رسیدگی مجدد و صدور رأی، دوباره به علت



یکی از موارد سه گانه فوق می‌تواند مورد رسیدگی قرار گیرد و به عبارت دقیق‌تر چندین مزیت به اعتبار امر مختومه لطمه وارد می‌شود.

دادگاه ویژه روحانیت

طبق آیین‌نامه‌ای که در مردادماه سال ۱۳۶۹ به تصویب و تأیید آیت الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران رسید، دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت تأسیس گردید. ماده یکم آیین‌نامه مذکور هدف از تأسیس این دادگاه را چنین بیان می‌دارد:

به منظور پیشگیری از نفوذ افراد متحرف و نیهکار در حوزه‌های علمی، حفظ حیثیت روحانیت و به کثرت رساندن روحانیون متخلف، دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت تحت نظارت عالی مقام معظم رهبری با وظایف و تشکیلات و اختیارات زیر اتخاذ می‌گردد.

ب- کلیه اعمال خلاف شرع روحانیون

ج- کلیه اختلاقات محلی محل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف، روحانی باشد.

د- کلیه اموری که از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی، مأموریت داده می‌شود.

دعاوی حقوقی و مدنی علیه روحانیون مطابق قوانین در دادگاههای عمومی رسیدگی می‌شود مگر هنگامی که به نظر دادستان ویژه روحانیت که منصوب از طرف مقام رهبری است ضرورت اقتضا نماید، که در دادگاه ویژه روحانیت رسیدگی شود.

احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به موازین شرع باشد چنانچه شرع نسبت به جرمی مجازات خاصی را معین نکرده حکم دادگاه باید مستند به قوانین موضوعه باشد.

احکام دادگاه ویژه روحانیت قطعی است مگر در موارد زیر:

۱- قاضی پرونده قطع به اشتباه خود یداکند.

۲- دادستان منصوب آن را خلاف قوانین و احکام بداند.

۳- ثابت شود قاضی پرونده صلاحیت رسیدگی را نداشته است.

تجدید رسیدگی بر مبنای موارد سه گانه فوق، مفید

به مدت نیست و حتی پس از گذشت ده سال از تاریخ صدور رأی، می‌توان حکم دادگاه را تغییر داد. رسیدگی مجدد در شعبه دیگر دادگاه ویژه روحانیت صورت می‌گیرد و دیوان عالی کشور حق هیچ گونه نظارتی را در مورد آراء صادره ندارد.

اصحاب دهری در دادگاه ویژه روحانیت حق انتخاب وکیل ندارند. دادگاه مذکور تعدادی از روحانیون صالح را به عنوان وکیل مشخص می‌کند تا از میان آنان به انتخاب متهم وکیل انتخاب گردد.

xalvat.com

برخی از موافق دادرسی عادلانه در سیستم قضایی ایران

۱- مهم‌ترین مشکلی که قوه قضائیه در ایران با آن مواجه است، کثرت دعاوی و عدم تناسب آن با تعداد محاکم است و در نتیجه در شهرهای بزرگ از قبیل تهران گاهی اوقات فاصله بین جلسات دادرسی حتی به دو سال هم می‌انجامد.

چون بعد از انقلاب، خسارت تأخیر تأدیه قانوناً از بین رفته است بنابراین اطلاع دادرسی موجب زمان منگفتی برای طلبکاران خواهد بود.

فراموش نکنیم که در سال ۱۳۷۴ طبق اعلام بانک مرکزی میزان تورم پنجاه و چهار درصد و در سال ۱۳۷۵ نزدیک به ۳۷ درصد بوده است و با این ترتیب هر بدهکاری تشویق خواهد شد که بدهی خود را نپرداخته و موضوع را به دادگستری بکشاند و سالها طلبکار خود را در دادگاهها سرگردان نماید.

۲- اعتبار امر مختومه در قوانین موضوعه ایران مخدوش گردیده است و با ترتیبی که گفته شد، هرگز نمی‌توان ادعا کرد دعوائی خاتمه یافته است.

۳- رسیدگی فوجامی در سیستم قضایی ایران وجود ندارد و دیوان عالی کشور تبدیل به دادگاه تجدید نظر شده است و وارد ماهیت دعوا می‌شود.

۴- حق متهم در اعتراض به قرار بازداشت صادره و یا تشدید تأمین که منجر به بازداشت وی می‌گردد، نادیده گرفته شده است و این موضوع زمانی حائز اهمیت بیشتری می‌گردد که اطلاع

دادوسی در ایران و فاصله بین جلسات دادرسی را در نظر بیآوریم.

۵- دادسرا در تشکیلات قضایی جدید وجود ندارد و وظایف قضائی دادستان به عهده رئیس دادگاه و رئیس دادگستری شهرستان محول گردیده است و بدین ترتیب بی‌طرفی قضایی دادگاه که صادرکننده رأی می‌باشد نادیده گرفته می‌شود.

۶- وجود مراجع اختصاصی غیر قابل توجه از قبیل دادگاه ویژه روحانیت مانعی در راه اعمال عدالت محسوب است خصوصاً آن که در این دادگاه، مقررات مربوط به شرح مقدم بر قانون موضوعه است. در حالی که قوانین ایران پس از انقلاب همگی منطبق با شرح اسلام بوده و وظیفه این تطبیق را شورای نگهبان انجام می‌دهد، چنین ترجیحی راه را برای سوءاستفاده از مقررات شرعی باز می‌کند.

۷- با وجودی که بیش از ۱۸ سال از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران گذشته است هنوز هم دادگاه انقلاب وجود دارد و رسیدگی به مهم‌ترین جرائم سیاسی و عمومی در صلاحیت آن است. هیچ جرمی در ایران سیاسی محسوب نمی‌شود و جرایمی که ماهیت واقعی آنها سیاسی است با دستاویز هشد انقلاب در این دادگاه رسیدگی می‌شوند.

۸- سن مسئولیت کیفری در قوانین ایران بسیار پایین است. ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، مقرر می‌دارد: اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند.

و طفل کسی است که به سن بلوغ نرسیده باشد. سن بلوغ طبق تبصره یک ماده ۱۲۱ قانون مدنی که در سال ۱۳۶۰ به تصویب رسید در دختر نه سال تمام قمری و در پسر پانزده سال تمام قمری است. با این ترتیب دختری نه ساله را می‌توان مانند فردی بالغ مجازات و اعدام نمود. خصوصاً آنکه دادگاه ویژه اطفال نیز در ایران وجود ندارد.

آنچه که گذشت شرح مختصری است از سیستم حقوقی ایران و براساسی با داشتن چنین قوه قضائیه! و آن چنان قوانینی! جامعه مدنی، که سهل است حتی رسیدن به شرکستان هم محال است.